

دکتر متیو اس. هارمون، استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس

جلسه ۴، مطالعه موردی، اشعیا ۴۹ در غلاطیان ۱

توسط تد هیلدبرانت BiblicaleLearning.org حمایت شده توسط

من دکتر متیو اس. هارمون و آموزه‌های او در مجموعه «استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس» هشتم. این جلسه ۴، یک مطالعه موردی، اشعیا ۴۹ در غلاطیان ۱ است.

به جلسه آخر ما در دوره «استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس» خوش آمدید.

و در این بخش پایانی، یک مطالعه موردی انجام خواهیم داد. و به طور خاص، به بررسی نحوه استفاده از اشعیا ۴۹ در فصل اول غلاطیان خواهیم پرداخت. و فقط یادآوری می‌کنم که محتوای این جلسه بر اساس مطالبی است که در اینجا در کتاب «چگونه استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس را مطالعه کنیم، هفت انتخاب تفسیری برای عهد عتیق» و جدید «خواهید یافت».

و این مطالعه موردی در مورد اشعیا ۴۹ در غلاطیان ۱ بخشی از مطالبی است که در فصلی از این کتاب آمده است. این مطالعه حتی جزئیات بیشتری را نسبت به آنچه من می‌توانم در اینجا در جلسه‌مان به آن پردازم، در بر می‌گیرد. و همچنین شامل مطالعه موردی دیگری در مورد استفاده از لاویان ۱۸:۱۹ و دستور دوست داشتن همسایه مانند خود است.

بنابراین شما را تشویق می‌کنم که این را هم بررسی کنید. خب، ما اینجا می‌یم. ما در حال انجام مطالعه موردی خود در غلاطیان ۱، یعنی استفاده از اشعیا ۴۹، هستیم.

و ما قصد داریم فقط یک فرآیند گام به گام از نحوه انجام این کار را بررسی کنیم. و تأکید می‌کنم که این کار سطوحی دارد، درست است؟ نوعی رویکرد عمیق و علمی تمام عیار وجود دارد که در آن هر ردپایی را دنبال می‌کنید و هر سنگی را برمی‌دارید و به تمام احتمالات نگاه می‌کنید. اما نمی‌خواهم در این مسیر گم شوید، زیرا فکر می‌کنم می‌توانید این کار را، حتی در سطح پایه با استفاده از یک ترجمه خوب انگلیسی کتاب مقدس انجام دهید و همچنان از آنچه خواهید یافت، بهره‌مند شوید.

خب، روند کار از این قراره. ما از مرحله اول شروع می‌کنیم، و این با شناسایی کنایه شروع میشه. حالا گاهی اوقات کاملاً واضحه.

بعضی وقت‌ها هم پیچیده‌تر است و باید کمی بیشتر تحقیق کنید. و اینجا دوباره جایی است که می‌توانم پیشنهاد کنم یک ابزار مرجع مفید، کتاب عهد جدید متصل‌کننده کتاب مقدس است که اخیراً منتشر شده است. کتاب عهد جدید متصل‌کننده کتاب مقدس توسط ناشران کتاب مقدس استاندارد مسیحی منتشر شده است.

و اگر به جلسه اول برگردید، می‌توانید برخی از ویژگی‌های این را ببینید، اما این کار در شناسایی بسیاری از آن اشارات برای شما بسیار عالی است. بنابراین می‌توانید حتی اگر مشکوک هستید که ممکن است اینجا اشاره‌ای داشته باشید، از آن برای بررسی کارتان استفاده کنید، یا حتی فقط برای نشان دادن اشاره‌ای که کاملاً تشخیص نداده‌اید که در واقع وجود دارد، از آن استفاده کنید. بنابراین این یک منبع خوب و مفید برای شماست تا آن را بررسی کنید.

خب، ابزارهای ارجاع متقابل می‌توانند به ما در انجام این کار کمک کنند، و یکی از نقاط شروع می‌تواند صرفاً برجسته کردن همپوشانی بین متن اهداکننده و متن پذیرنده باشد. و این متن عهد جدید ماست. ما قصد داریم به غلاطیان فصل ۱ نگاه کنیم، و در آیات ۱۵ تا ۱۷، پولس این را می‌نویسد. و این متن پذیرنده ماست، و من ادعا می‌کنم که این متن در غلاطیان فصل ۱ شامل اشاره‌ای به اشعیا فصل ۴۹، آیات ۱ تا ۶ است. و کاری که من سعی کرده‌ام در اسلایدی که من می‌بینید انجام دهم این است که با استفاده از برخی از رنگ‌های مختلف اینجا، نقاط تماس بین اشعیا ۴۹ و غلاطیان ۱:۱۵ و ۱۶ را به شما نشان دهم.

[ترجمه نویسنده] آمده LXX AT برای مثال، توجه داشته باشید که در کنار اشعیا ۴۹: ۱ تا ۶، در داخل پرانتز، عبارت به این معنی است که این AT است. Septuagint مخفف LXX است. این به ترجمه هفتادگانی اشاره دارد، بنابراین ترجمه خود من است، بنابراین ترجمه نویسنده همان چیزی است که به آن اشاره دارد.

بنابراین من اشاره می‌کنم که این ترجمه خودم از متن یونانی سپتواجینت است که اینجا می‌بینید، و به نظر من، پولس زبان را از اشعیا ۴۹ در سپتواجینت قرض گرفته است. خوب، حالا بیایید به این موضوع نگاه کنیم. من قبلاً متن غلاطیان ۱ را خوانده‌ام.

در اینجا اشعیا ۴۹: ۱-۶ آمده است. گوش دهید. ای جزایر، به من گوش دهید، ای ملت‌ها توجه کنید. پس از مدت‌ها «از رحم مادرم، خداوند می‌گوید»: «این [خدا] پابرجا خواهد ماند».

بنابراین آن عبارت را با رنگ قرمز هایلایت می‌کنیم زیرا در غلاطیان ۱ نیز به وضوح دیده می‌شود. او نام مرا خواند همین فعل، یعنی «خوانده شده»، در غلاطیان نیز وجود دارد. و دهان مرا مانند خنجر تیز ساخت و مرا در پناه دست خود پنهان کرد.

او مرا همچون تیری برگزیده ساخت و در ترکش خود پناه داد. و به من گفت: «تو بنده من اسرائیل هستی و در تو جلال خواهم یافت». اما من گفتم: «بیهوده زحمت کشیده‌ام و نیروی خود را بیهوده و بی‌فایده داده‌ام».

بنابراین، داوری من با خداوند است و زحمات من در پیشگاه خدای من. و اکنون خداوند که مرا از رحم مادر آفرید تا بنده یا خدمتگزار او باشم، چنین می‌گوید؛ می‌توان آن را چنین ترجمه کرد: تا یعقوب و اسرائیل را نزد خود گرد آورم. من در حضور خداوند گرد خواهم آمد و جلال خواهم یافت، و خدای من قوت من خواهد شد.

و او به من گفت، این چیز بزرگی است که تو بنده من نامیده شوی، تا بتوانی قبایل یعقوب را برپا کنی و پراکندگی اسرائیل را بازگردانی. ببین، من تو را نور ملت‌ها یا نور غریبه‌دیان قرار داده‌ام، تا برای نجات تا اقصای زمین باشی. بنابراین، آنچه من سعی دارم با این رنگ‌ها نشان دهم این است که عبارات مشترکی بین این دو متن وجود دارد.

و وقتی قبلاً از نظر بافت افقی و عمودی به این موضوع نگاه کردیم، یکی از چیزهایی که در موردش صحبت کردیم توجه به آیات، پاراگراف‌ها و فصل‌های اطراف بود. و اینجا متوجه خواهید شد که پولس در آیه ۱۶ به آشکار شدن پسرش توسط خدا در من اشاره می‌کند. و اگر از روی اکثر ترجمه‌های انگلیسی بخوانید، خواهید دید که آنها معمولاً چیزی شبیه به «پسرش را برای من آشکار کرد» می‌گویند.

به طور طبیعی بیشتر به there اما دلیل اینکه من آن را به صورت «در من» ترجمه می‌کنم این است که عبارت یونانی صورت «در من» فهمیده می‌شود تا «برای من». «روش‌های زیادی وجود دارد که می‌توانید از این عبارت برای آشکار کردن چیزی به کسی استفاده کنید، اما روشی که پولس در اینجا آن را بیان می‌کند، یکی از آن روش‌های رایج برای انجام آن نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد آنچه پولس می‌گوید این است که هدف خدا آشکار کردن پسرش در پولس بود.

به عبارت دیگر، در زندگی او، در خدمت او، در حوزه زندگی پولس، این زمینه‌ای بود که خدا قرار بود پسرش را در آن آشکار کند. و من فکر می‌کنم که این عمداً از اشعیا ۴۹، آیه ۳، الهام گرفته شده است، جایی که خدا به بنده می‌گوید: در تو من جلال خواهم یافت. حالا ممکن است فکر کنید، بسیار خوب، این یک رشته بسیار نازک است.

ترجمه می‌شود، خیلی رایج است، اما فکر می‌کنم اینجا یک in منظورم این است که حرف اضافه‌ای که به صورت چیزی در جریان است، چون اگر بعداً به غلاطیان، فصل ۱، آیه ۲۴ نگاه کنید، وقتی پولس در مورد اینکه چگونه شهرتش پس از موعظه انجیل شروع به گسترش کرد صحبت می‌کند، آن بخش را با این جمله به پایان می‌رساند که کلیساهای یهودیه خدا را در من جلال می‌دهند. حالا دوباره، برخی از آن ترجمه‌ها آن را به صورت «خدا را به خاطر من جلال دهید» ترجمه می‌کنند. و این در انگلیسی منطقی است، اما به نظر من متن یونانی اصلی واقعاً بر این تأکید نمی‌کند.

چون او عمداً از این عبارت استفاده می‌کند تا به شما کمک کند ببینید که اگر هدف خدا آشکار کردن پسرش در پولس بود، و حالا در آیه ۲۴، می‌گوید که کلیساهای یهودیه خدا را در من جلال دادند. بنابراین فکر می‌کنم این یک استفاده

عمدی از آن زبان است و این از این عبارت در اشعیا ۴۹، آیه ۳ ناشی می‌شود. بنابراین نکته این است که پولس می‌گوید زمینه آشکار کردن پسرش توسط خدا، زندگی و خدمت اوست. این چیزی است که او به آن اشاره می‌کند.

او این زبان را از اشعیا ۴۹ الهام می‌گیرد. حال، در متن گسترده‌تر، تطابق‌های بیشتری وجود دارد. برای مثال، در فصل ۱ آیه ۱۰، پولس می‌نویسد: «آیا اکنون در پی جلب رضایت مردم هستم یا خدا، یا اینکه سعی می‌کنم مردم را راضی کنم؟» اگر هنوز هم در پی راضی کردن مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم.

است و می‌تواند به روش‌های مختلفی ترجمه شود. می‌تواند به یک برده اشاره داشته *doulos*، این اصطلاح در یونانی باشد، یا می‌تواند به یک بنده اشاره داشته باشد، اما نکته‌ی قابل توجه در مورد این کلمه اینجاست. اگر به اشعیا ۴۹ آیه ۳ نگاه کنید، جایی که می‌گوید، او به من گفت، این یهوه است که با بنده صحبت می‌کند، تو بنده‌ی من هستی.

وجود دارد، همانطور که در *doulos* در ترجمه یونانی عهد عتیق عبری، در ترجمه سپتواجینت، همان اصطلاح غلاطیان ۱:۱۰ می‌بینیم. نکته منحصر به فرد این است که معمولاً در سراسر کتاب اشعیا، وقتی درباره خدمتکار استفاده می‌شود که می‌تواند به معنای خدمتکار نیز باشد، و در *pipes* صحبت می‌شود، از کلمه یونانی متفاوتی به نام واقع، اگر به جای دیگری از کتاب اشعیا نگاه کنید، مثلاً در اشعیا ۵۳، در مورد خدمتکار صحبت می‌کند. ترجمه استفاده می‌کند. در واقع، این تنها جایی در کتاب اشعیا است که *pipes* از کلمه *doulos* سپتواجینت به جای برای اشاره به خدمتکار استفاده می‌شود، و بنابراین فکر می‌کنم وقتی پولس در آیه ۱۰ خود را به عنوان *doulos* خدمتکار مسیح معرفی می‌کند، او در حال پیش‌بینی چیزی است که قرار است بعداً در فصل ۱، آیات ۱۵-۱۶، درباره آن صحبت کند.

بنابراین، طنین‌ها یا پژواک‌های دیگری از این متن در جای دیگری از رساله غلاطیان وجود دارد. در اینجا مثال دیگری در واقع دو مثال از آنها، آورده شده است. او دو بار در نامه پولس در اینجا، درباره ایده دویدن یا کار بیهوده صحبت می‌کند، و به طرز چشمگیری، بنده در اشعیا ۴۹:۴ می‌گوید: من بیهوده کار کرده‌ام.

من قدرتم را بیهوده و برای هیچ داده‌ام. بنابراین، باز هم، به خودی خود، اگر این اتفاق در خلاء رخ داده باشد، ممکن است بگویید، خب، نمی‌دانم، آیا واقعاً این یک ارتباط است؟ اما وقتی بخشی از چندین ارتباط دیگر با همان متن است، پرونده بزرگتری را برای اشعیا ۴۹ می‌سازد که به نظر می‌رسد در ذهن پولس بوده است، زیرا او در مورد آنچه به غلاطیان می‌گوید صحبت می‌کند. در مورد سایر نکات ارتباطی اینجا، در قسمت سبز رنگ در فصل ۲، آیه ۲ متوجه می‌شوید، جایی که پولس در مورد اعلام انجیل در میان غیریهودیان صحبت می‌کند، بنده در ۴۹:۶ در مورد اینکه او نور ملت‌ها است صحبت می‌کند، و دوباره، آن اصطلاح، ملت‌ها یا غیریهودیان، در یونانی همان اصطلاح است، و مترجم باید تصمیم بگیرد، آیا در این زمینه بهتر است به عنوان ملت‌ها یا غیریهودیان درک شود، اما اصطلاح یونانی زیربنایی همان است.

بنابراین، امیدوارم این به شما کمک کند تا ببینید دلایل خوبی برای این نتیجه‌گیری وجود دارد که پولس به اشعیا ۴۹ اشاره می‌کند. بنابراین این ما را به این فکر می‌اندازد که، خب، ما باید برگردیم و به اشعیا ۴۹ نگاه کنیم. بنابراین مرحله ۱ شناسایی اشاره بود، مرحله ۲ مطالعه متن اهداکننده است، ۲.

بنابراین می‌خواهیم بررسی کنیم: آیا در متن اهداکننده، گونه‌های متنی متفاوتی وجود دارد؟ به عبارت دیگر، در اشعیا آیا در جایی بحثی بر سر متن اصلی دقیق متن عبری یا متن سپتواجینت وجود دارد، یا آیا تفاوت‌های قابل توجهی، ۴۹. بین ترجمه سپتواجینت و متن عبری وجود دارد؟ و در این مورد خاص، واقعاً هیچ مسئله‌ای برای نگرانی وجود ندارد. بنابراین اکنون می‌توانیم به سراغ زمینه، چه افقی و چه عمودی، برویم. باید بینش‌های هر دو زمینه افقی و عمودی را بررسی و خلاصه کنیم، و سپس به بررسی پذیرش خواهیم پرداخت.

به عبارت دیگر، آیا متون دیگری وجود دارند که از متن اهداکننده استفاده می‌کنند؟ پس بیایید این موضوع را برای اشعیا ۴۹ بررسی کنیم. همانطور که اشاره کردم، هیچ گونه متن متفاوتی وجود ندارد که بر اشاره موجود در اشعیا ۴۹ تأثیر بگذارد، بنابراین خوشبختانه لازم نیست برای مقابله با آن به جزئیات پردازیم. در ضمن، باید بگوییم، حتی اگر در زبان‌های اصلی آموزش ندیده‌اید تا خودتان این کار را انجام دهید، می‌توانید در یادداشت‌های کتاب مقدس اینترنتی کمک خوبی پیدا کنید.

اگر به کتاب مقدس اینترنتی نگاهی بیندازید، شاید حتی بتوانید این موارد را به صورت آنلاین پیدا کنید: آنها یادداشت‌های مفصلی دارند که اغلب به طور خاص به مسائل متنی می‌پردازند که می‌تواند حداقل به شما، حتی به عنوان یک خواننده انگلیسی کتاب مقدس، یک درک کلی از آنچه در آنجا از نظر هرگونه تنوع متنی بالقوه اتفاق می‌افتد، بدهد. اما اینجا چیزی برای پرداختن به آن وجود ندارد. در مورد زمینه‌های افقی چطور؟ خب، زمینه افقی درست در اشعیا، حداقل در ذهن من، می‌تواند به این شکل خلاصه شود.

خداوند در اشعیا ۴۹ یک بنده را برمی‌خیزاند تا از جایی که اسرائیل، بنده، در آن کوتاهی کرد، اطاعت کند. پس این را از کجا آورده‌ام؟ خب، ما قبلاً اشعیا ۴۹: ۶-۱ را خوانده‌ایم، اما اشعیا ۴۲: ۱-۶ بسیار شبیه به آنچه در اشعیا ۴۹ می‌یابیم به نظر می‌رسد. بنابراین، اشعیا ۴۲ از آیه ۱ شروع می‌شود. اینک بنده من که او را حمایت می‌کنم، برگزیده من، که جانم از او لذت می‌برد.

من روح خود را بر او نهاده‌ام. او عدالت را برای ملت‌ها صادر خواهد کرد. او فریاد نخواهد زد و صدایش را بلند نخواهد کرد و آن را در کوچه و خیابان نخواهد شنید.

بی شکسته را نخواهد شکست و فتیله‌ی کم‌فروغ را خاموش نخواهد کرد. او با ایمان، عدالت را برقرار خواهد ساخت. او ناتوان و دلسرد نخواهد شد تا زمانی که عدالت را در زمین برقرار سازد و سرزمین‌های ساحلی منتظر شریعت او باشند.

چنین می‌گوید خدا، خداوند، که آسمان‌ها را آفرید و آنها را گسترانید، که زمین و آنچه از آن می‌آید را گسترانید، که به مردمی که در آن هستند نفس و به کسانی که در آن راه می‌روند روح می‌دهد. من یهوه هستم. من شما را به عدالت خوانده‌ام.

دست را خواهم گرفت و تو را حفظ خواهم کرد. تو را به عنوان عهدی برای مردم، نوری برای ملت‌ها خواهم داد. پس، اگر این را بخوانید، و به خصوص با ذهن عهد جدیدتان که کار می‌کند، ممکن است تمایل داشته باشید که بگویید، اوه، این به مسیح اشاره دارد.

و ممکن است شما حتی بیشتر تشویق شوید که اینگونه فکر کنید زیرا در انجیل متی این بخش از اشعیا را نقل قول می‌کند و می‌گوید که این در عیسی تحقق یافته است. و بنابراین شما فکر می‌کنید، بسیار خوب، این به مسیح اشاره دارد. اما سپس به خواندن اشعیا ۴۲ ادامه می‌دهید و سپس به این مورد برمی‌خورید.

اشعیا ۴۲ آیات ۱۸ و ۱۹. ای ناشنویان بشنوید و ای نابینایان بنگرید تا ببینید. کیست که کور باشد جز بنده من؟ یا کر باشد مانند رسول من که می‌فرستم؟ کیست که کور باشد مانند بنده من؟ یا کور باشد مانند بنده خداوند؟ شما بروید، اوه-اوه.

فکر نمی‌کنم این عیسی باشد. و خب، اینجا چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ به نظر من در متن اشعیا، اشعیا ۴۲، توصیف بنده، توصیفی از چیزی است که قرار بود اسرائیل به عنوان یک ملت باشد. اینکه این کسی بود که قرار بود اسرائیل به عنوان یک ملت باشد.

اما اگر می‌پرسید، خب، یک دقیقه صبر کنید، پس چرا متی می‌گوید که این [پیشگویی] محقق شده یا به عیسی اشاره می‌کند؟ و من می‌گویم که او این ادعا را بر اساس ارتباط نمادین بین اسرائیل به عنوان پسر خدا یا بنده خدا در اینجا و عیسی به عنوان بنده نهایی مطرح می‌کند. بنابراین باید این را از هم متمایز کنیم و بگوییم، ببینید، این متی نیست که اشتباه می‌کند. فقط او است که با یک نقطه اتصال متفاوت به این متن نگاه می‌کند.

و او در این شناسایی اشتباه نمی‌کند. اما چیزی که من اینجا به شما نشان می‌دهم این است که سعی کنم بگویم، ببینید درست در چارچوب اشعیا، به نظر من اشعیا ۴۲ می‌گوید که این همان کسی است که قرار بود اسرائیل باشد اما شکست خورد. و بنابراین بقیه فصل‌های بعدی همچنان به برجسته کردن چگونگی شکست اسرائیل به عنوان بنده یهوه ادامه می‌دهند تا به اشعیا ۴۹ برسید.

و سپس اشعیا ۴۹ بخشی از همان زبانی را که قرار است اسرائیل را توصیف کند، به کار می‌گیرد و می‌گوید که این موضوع در مورد این بنده‌ی خاص که بعداً خواهد آمد، صادق است. حالا نکات زیادی برای بررسی در این مورد وجود دارد، و راستش را بخواهید، محققانی هستند که با برداشت من از اشعیا در آنجا مخالفند، اما من تنها کسی نیستم که این نظر

را دارم. بنابراین نکته‌ی من این است که شما لزوماً نباید با این نظر موافق باشید، اما فکر می‌کنم این موضوع زمینه‌ی افقی را فراهم می‌کند که جریان اشعیا این است: اسرائیل بنده‌ی خداست که شکست خورده است.

بنابراین خداوند یک بنده را برمی‌خیزاند که قرار است از جایی که اسرائیل شکست خورد، اطاعت کند و او این کار را از طریق رنج کشیدن و در نهایت از طریق اثبات بی‌گناهی خود انجام خواهد داد، که در اشعیا ۵۰ و سپس دوباره در اشعیا ۵۳ به آن اشاره شده است. بنابراین، من معتقدم که این زمینه افقی است. در مورد زمینه عمودی چطور؟ از نظر ۵۲ مفهومی، می‌توانم بگویم که زمینه عمودی ما را به این سمت سوق می‌دهد: اینکه این بخشی از الگویی است که خداوند مجموعه‌ای از بندگان را با نقش‌های سلطنتی، کاهنی و نبوی برای ایجاد یک قوم خدمتگزار برمی‌انگیزد.

و بنابراین شما این را با، به نظر من، آدم، با موسی، یوشع، داوود و البته در نهایت با خود عیسی می‌بینید. و بنابراین بخشی از این الگوی مداوم موجود است که ما را به آن سمت سوق می‌دهد. یکی از شواهد این است که در اشعیا ۴۰ تا ۵۳، اصطلاح بنده همیشه مفرد است، حتی اگر به ملت اسرائیل، یک گروه جمعی از مردم، اشاره داشته باشد، تا زمانی که به اشعیا ۵۴ برسید، و آن بنده به تنهایی رستگاری قوم خدا را به انجام رسانده باشد.

و سپس در اشعیا ۵۴، این جمله را می‌بینید که چگونه این میراث بندگان خداوند است. اولین مورد جمع و تصویری که در اینجا پدیدار می‌شود این است که کار یک بنده، اکنون یک قوم بنده را ایجاد کرده است. در نهایت، می‌خواهیم پرسیم، آیا جای دیگری وجود دارد که این زبان در آن به کار رفته باشد؟ و یک احتمال در اینجا در ارمیا فصل ۱ آیه ۵ است. در واقع، برخی فکر می‌کنند که پولس وقتی در مورد اینکه خدا او را برانگیخت یا از رحم مادرش فراخواند صحبت می‌کند، از ارمیا ۱:۵ الهام می‌گیرد.

و من قطعاً انکار نمی‌کنم که زبان مشابهی در آنجا وجود دارد. من فقط فکر می‌کنم که اشارات و پژواک‌های اضافی دیگر در متن غلاطیان ۱ به اشعیا ۴۹، پیوند قوی‌تری ایجاد می‌کنند. و مطمئناً این احتمال وجود دارد که ارمیا در اینجا از زبان اشعیا الهام گرفته باشد.

نمی‌توان با قطعیت گفت، اما مطمئناً امکان‌پذیر است. در عهد جدید، کاربرد بسیار واضحی از اشعیا ۴۹ و یک نکته کلیدی مهم در اعمال رسولان ۱۳ داریم. در اعمال رسولان ۱۳، آیات ۴۶ تا ۴۸، این را می‌یابیم.

پولس و برنابا با جسارت گفتند: «لازم بود کلام خدا ابتدا به شما گفته شود. از آنجایی که شما خود را کنار کشیدید و خود را لایق حیات جاودان ندانستید، اکنون ما به سوی غیریهودیان روی می‌آوریم.» زیرا خداوند به ما چنین فرمان داده «است که»: «من شما را نوری برای غیریهودیان قرار داده‌ام تا نجات را به اقصی نقاط زمین برسانید».

این اشعیا ۴۹:۶ است. و هنگامی که غیریهودیان این را شنیدند، شروع به شادی و ستایش کلام خداوند کردند. و هر که برای حیات جاودان مقرر شده بود، ایمان آورد. حال آنچه در مورد این کاربرد در اینجا اهمیت ویژه‌ای دارد این است که پولس از این متن برای توضیح و ارائه منطق مأموریت خود استفاده می‌کند.

انگار هدف او همین است. این همان چیزی است که خدا او را به انجام آن فراخوانده است. و آیا این دقیقاً همان چیزی نیست که در غلاطیان ۱ می‌بینیم، وقتی پولس درباره قدرت دگرگون‌کننده خدا در زندگی‌اش و مأموریت او در مورد زندگی‌اش صحبت می‌کند؟ او به اشعیا ۴۹ برمی‌گردد.

بنابراین در جاهای دیگر سابقه‌ای وجود دارد که پولس اهمیت خدمت خود را از دریچه اشعیا ۴۹ توضیح دهد. بنابراین نباید تعجب کنیم که این را اینجا در غلاطیان ۱ نیز می‌بینیم. بسیار خوب، این دو مرحله اول است. توهّم را شناسایی کنید، متن اهداکننده را مطالعه کنید.

حالا باید متن گیرنده را مطالعه کنیم. به عبارت دیگر، غلاطیان ۱. ما اساساً قرار است همان فرآیند را طی کنیم. متنی. شناسایی انواع.

ما قصد داریم به زمینه، چه افقی و چه عمودی، نگاهی بیندازیم. خوشبختانه، بار دیگر، در جبهه متنی، هیچ گونه تفاوت عمده‌ای وجود ندارد که بر توهّم تأثیر بگذارد. در حال حاضر، برخی از تفاوت‌های متنی در غلاطیان ۱:۱۵ و ۱۶ وجود دارد، اما آنها بر وجود توهّم تأثیر نمی‌گذارند.

بنابراین فعلاً می‌توانیم از آنها صرف نظر کنیم. در مورد زمینه افقی چطور؟ خب، از نظر استدلال پیرامونی، آنچه در اینجا می‌بینیم این است که این بخشی از دفاع پولس از اقتدار رسولی خود و رابطه‌اش با رهبری در کلیسای اورشلیم است. و ما قبلاً برجسته کرده‌ایم که چگونه پژواک‌ها و اشارات اضافی به اشعیا ۴۹ در زمینه پیرامونی وجود دارد.

بنابراین برای ما مهم است که این موارد را در نظر داشته باشیم. در نهایت، زمینه عمودی. آیا اشارات دیگری در این نزدیکی وجود دارد؟ ممکن است اشاره‌ای بالقوه به حبقوق ۲:۳ در غلاطیان ۲:۲ وجود داشته باشد. ما قبلاً به اشاره به اشعیا ۴۹:۳ در غلاطیان ۱:۲۴ اشاره کرده‌ایم، اما در اینجا یک اشاره واقعاً مهم وجود دارد.

در غلاطیان ۲:۲۰، ما هنوز این را برجسته نکرده‌ایم. در غلاطیان ۲:۲۰، پولس این را می‌نویسد: من با مسیح مصلوب شده‌ام. دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند. دوباره همان عبارت وجود دارد درست است؟ دیدیم که هدف خدا آشکار کردن پسرش در من بود، و حالا پولس می‌گوید مسیح که در من زندگی می‌کند.

بنابراین فکر می‌کنم این اشاره‌ای به اشعیا ۴۹:۳ است. و من اکنون در جسم زندگی می‌کنم. من با ایمان به پسر خدا که مرا دوست داشت و خود را برای من فدا کرد، زندگی می‌کنم. و متوجه خواهید شد که من آن را به رنگ آبی در آنجا آورده‌ام، زیرا معتقدم که این اشاره‌ای به زبانی است که از اشعیا ۵۳ قرض گرفته شده است، جایی که بنده خود را برای گناهان قومش فدا می‌کند.

چون، ممکن است این سوال در ذهنتان مانده باشد، درست است؟ گفتیم، خب، اشعیا ۴۹ درباره یک خادم صحبت می‌کند که در جایی که اسرائیل کوتاهی می‌کند، اطاعت می‌کند. و بنابراین شما فکر می‌کنید، خب، آن باید عیسی باشد. اما شما از من می‌شنوید که می‌گویم، پولس به اشعیا ۴۹ نگاه می‌کند و می‌گوید، این مقدمه‌ای برای خدمت من است.

و، بنابراین امیدوارم که این موضوع کمی در مغز شما ناهماهنگی ایجاد کند، و شما فکر کنید، خب، یک دقیقه صبر کنید، چطور این اتفاق می‌افتد؟ پس به نوعی پولس، خادم اشعیا ۴۹، و سپس عیسی خادم اشعیا ۵۳ است. این چطور به هم مرتبط می‌شود؟ من فکر می‌کنم غلاطیان ۲:۲۰ کلیدی است که این را باز می‌کند. چون چیزی که پولس اینجا می‌گوید این است که مسیح که در من زندگی می‌کند.

و اهمیت آن در این است که پولس، به نوعی، خادم اشعیا ۴۹ است، اما فقط به این دلیل که مسیح در او زندگی می‌کند. زیرا مسیح در واقع همان خادم موعودی است که در اشعیا ۴۹ از آن صحبت می‌شود. و مسیح در پولس زندگی می‌کند تا نور نجات برای ملت‌ها باشد.

این نقطه اتصال است. بنابراین فکر می‌کنم پولس با انجام این کار در غلاطیان ۲:۲۰، با ترکیب یک اشاره به اشعیا و یک اشاره به اشعیا ۵۳، و کنار هم قرار دادن آن برای ما، به این موضوع اشاره می‌کند. خب، مرحله چهارم، من ۴۹:۳ قبلاً دستم را رو کرده‌ام؛ من از خودم جلو زدم، هیجان‌زده شدم، اما مرحله چهارم، نتیجه تفسیری را مشخص کنید.

بنابراین وقتی همه اینها را کنار هم گذاشتید، می‌خواهید بفهمید که متن گیرنده، در این مورد غلاطیان ۲:۲۰، از نظر پیامدهای تفسیری با متن دهنده چه می‌کند. شما به دنبال نتیجه الهیاتی هستید، از نوع خب که چی. این چه اهمیتی دارد؟ و اینجا جایی است که من شما را به آن در کتابمان، چگونه استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس را مطالعه کنیم، در صفحات ۶۹ تا ۷۲، اشاره می‌کنم، ما فهرستی از حدود دوازده پیامد تفسیری رایج مختلف داریم.

به عبارت دیگر، روش‌های رایجی که نویسندگان بعدی کتاب مقدس از متون اولیه کتاب مقدس استفاده می‌کنند. و بنابراین چگونه می‌توانم آنچه را که در غلاطیان فکر می‌کنم، در مورد اشعیا در غلاطیان خلاصه کنم؟ بیا بیا سعی کنیم آن را به این شکل خلاصه کنیم. به طور خلاصه، استفاده پولس از اشعیا را می‌توان به بهترین شکل به عنوان نوعی تحقق غیرمستقیم توصیف کرد.

او دعوت خود برای رسالت به سوی غیریهودیان را در زبان خاص دعوت خادم اشعیا در اشعیا ۴۹: ۱ تا ۶ از پیش ترسیم شده می‌بیند. همانطور که پولس در پرتو متون عهد عتیق، به مواجهه خود با عیسی قیام کرده می‌اندیشید، در اشعیا ۴۹ رسالت خود را به عنوان رسول غیریهودیان دید که هم در عبارات خاص و هم در دامنه وسیع‌تر آنچه که به این خادم مأموریت داده شده بود، پیش‌بینی شده بود: رساندن مژده نجات یهوه به غیریهودیان، حتی تا اقصی نقاط

زمین. در ادامه، پولس خود را خادم اشعیا ۴۹ می‌داند زیرا عیسی، خادم رنج‌کشیده اشعیا ۵۳، در درون او زندگی می‌کند تا مأموریت خادم را به انجام برساند. با خواندن اشعیا ۴۹ به این شکل، به نظر می‌رسد پولس به رابطه متقابل بین هویت و مسئولیت فردی و هویت و مسئولیت جمعی که در بالا ذکر شد، پی برده است.

عیسی به عنوان خادم، همانطور که اشعیا پیشگویی کرده بود، خادمانی را به وجود آورده است. اینجاست که می‌خواهم به این موضوع اضافه کنم و بگویم، چون پولس خود را به نوعی مورد انتظار در اشعیا ۴۹ می‌داند، زیرا عیسی، خادم، در او ساکن است، خب این در مورد ما به عنوان کلیسا نیز صادق است. مسیح در ما زندگی می‌کند، و بنابراین در ما زندگی می‌کند تا مأموریت بزرگتر نور نجات بودن تا اقصی نقاط زمین را به انجام برساند.

و آیا پولس از برخی جهات منحصر به فرد است؟ بله، او به نوعی رسول پیشگام برای غیریهودیان است. و بله، ما می‌توانیم به درستی خود را در این و همچنین کلیسا ببینیم زیرا ما مکانی هستیم که مسیح در آن ساکن است و از طریق او کار می‌کند تا نور نجات برای ملت‌ها باشد. بنابراین این یک سلیقه است.

احساس می‌کنم حتی به سختی به سطح آنچه واقعاً در آن وجود دارد، رسیده‌ام. اگر به فصل ۸ از «چگونه استفاده از کتاب مقدس را مطالعه کنیم» نگاهی بیندازید، جزئیات بسیار بیشتری در آنجا وجود دارد. همچنین می‌خواهم شما را به منابع اضافی مرتبط با این کتاب ارجاع دهم.

پیدا کنید، جایی که اگر می‌خواهید کمی عمیق‌تر شوید، مقالات و ویدیوهای otuot.com/slash/7c می‌توانید آن را در اضافی و مصاحبه‌هایی پیدا خواهید کرد. اما امید من این است که این کافی بوده باشد تا اشتباهی شما را تحریک کند و شما را در مورد بینش‌هایی که ممکن است بتوانید به دست آورید هیجان‌زده کند، و در عین حال به شما به اندازه کافی انگیزه و تلنگری با برخی ابزارها و چیزهایی برای فکر کردن بدهد تا خودتان به کاوش در کتاب مقدس بپردازید. و اگر این اتفاق افتاده است، پس این یک موفقیت بوده است.

بنابراین اکنون از شما دعوت می‌کنم تا آنچه را که در این جلسات در مورد آن صحبت کردیم، در نظر بگیرید و به کتاب مقدس برگردید و امیدوارم آنها را با چشمانی تازه بخوانید تا بتوانید آنچه را که به طور مشروع در آنجا وجود دارد و شاید هرگز به طور کامل ندیده یا فراموش نکرده‌اید، ببینید.

این دکتر متیو اس. هارمن و آموزه‌های او در مجموعه «استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس» است. این جلسه ۴، یک مطالعه موردی، اشعیا ۴۹ در غلاطیان ۱ است.